

شب شکارچی

(رمان)

www.ketab.ir

دیویس گراب

ترجمی فرانک حیدریان

The Persian Translation of

The Night of the Hunter

By Davis Grubb

Vintage, New York, 1953

Translated by Faranak Heidarian

Didavar Book, Tehran, 2022

www.ketab.ir

سرشناسه: گراب، دیویس، ۱۹۱۹-م.

Grubb, Daves

عنوان و نام پدیدآور: شب شکارچی / دیویس گراب؛ ترجمه‌ی فرانک حیدریان؛
ویراستار طاهره قصدی.

مشخصات نشر: تهران: کتاب دیدآور، ۱۴۰۰.

مشخصات ظاهری: ۳۰۰ ص.؛ مصور (رنگی)؛ ۱۴/۱۲ × ۲۱/۵ س.م.

فروست: سری داستان و رمان: دبیر مجموعه اصغر توری؛ ۵.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۰۴-۱۶۷-۹

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: عنوان اصلی: The night of the hunter, 1953.

موضوع: داستان‌های آمریکایی -- قرن ۲۰ م.

20th century -- American fiction

شماره افزوده: حیدریان، فرانک، ۱۳۶۰- مترجم

رده‌بندی کنگره: PS۳۵۶۷

رده‌بندی دیوئی: ۸۱۳/۵۴

شماره کتابشناسی ملی: ۸۵۰۰۴۷۸

The Diamond Image
The Angels of the Mosque
by David Gooden
Foreword by Hossein Fatemi
Oxford, Iran, 1999



دیویس گراب

شب شکارچی

ترجمه‌ی فرانک جیدویان

دبیر مجموعه: اصغر نوری

مدیر هنری: جلال شمع‌سوزان

نمونه‌خوان: نگین فرهود

ویراستار: طاهره قصدی

چاپ: شاهین، صحافی: امیر

چاپ نخست: زمستان ۱۴۰۰

شمارگان: ۵۵۰ نسخه

حق هر گونه چاپ و انتشار محفوظ است.

دفتر نشر: خیابان انقلاب، خیابان فخر رازی، خیابان روانمهر،

شماره‌ی ۸۴ (ساختمان دیدآور)، طبقه‌ی اول.

ایمیل: info@didavarbook.com

فروشگاه: خیابان انقلاب، روبه‌روی دانشگاه تهران، پلاک ۱۳۰۴.

تلفن: ۶۶۹۵۴۷۴۸

اینستاگرام: didavarbook

فروش آنلاین: www.didavarbook.com

قیمت: ۹۵۰,۰۰۰ ریال

یادداشت مترجم

دیویس الکساندر گراب رمان‌نویس و داستان‌نویس آمریکایی، ۲۳ ژوئیه‌ی ۱۹۱۹ در بخش موندزویل ایالت ویرجینیای غربی متولد شد؛ در منطقه‌ای که چندین نسل از خانواده‌ی مادری و پدری‌اش آن‌جا زندگی می‌کردند. ابتدای خواست گرافیسست شود، بنابراین پس از اتمام دوره‌ی دبیرستان، در رشته‌ی طراحی در فیلادلفیا مشغول به تحصیل شد. قصد داشت مهارت‌های خلاقیتی خود را به عنوان یک نقاش با نویسندگی ترکیب کند اما کوررکسی به او اجازه نداد تا خود را به عنوان نقاش مطرح کند. با این حال، در طول زندگی حرفه‌ای خود تعدادی نقاشی و طرح کشید که برخی از آن‌ها در نوشته‌های او گنجانده شدند.

گراب سال ۱۹۳۹ به نیویورک رفت و به عنوان نویسنده‌ی نمایشنامه‌های رادیویی در رادیو ان‌بی‌سی شروع به فعالیت کرد و هم‌زمان اوقات فراغت خود را به نوشتن داستان کوتاه اختصاص می‌داد. نمایشنامه‌های او بعدها در گلچینی از صد نمایشنامه‌ی رادیویی به چاپ رسیدند. اواسط دهه‌ی چهل، او موفق شد داستانهایش را به نشریه‌های مهمی بفروشد که بعدها در سه مجموعه کتاب منتشر شدند.

اوایل دهه‌ی پنجاه، گراب شروع به نوشتن اولین رمانش کرد. داستان این رمان از روایت‌های مادرش، که مددکار اجتماعی بود، از دشواری‌های معاش آمریکایی‌ها در دوران رکود بزرگ تأثیر گرفته بود؛ رمانی با فضایی سراسر تاریک در مورد وضعیت اسفبار فقر کودکان و بزرگسالان که از سوی دیگران به آن‌ها تحمیل

شده بود. گراب بعد از آن نه رمان و چندین مجموعه داستان نوشت که بعضی‌ها از آن‌ها در سینما مورد اقتباس قرار گرفتند. رادسرلینگ در فیلم گالری شبانه و آلفرد هیچکاک در فیلم ساعت از داستان‌های گراب اقتباس کردند و رمان رژهی احمق‌های او مبنای فیلمی به همین نام در سال ۱۹۷۱ با بازی جیمز استوارت شد. نقدهایی که به کارهای گراب شده به اندازه‌ی آثارش متنوع بوده است. در حالی که اغلب منتقدان، رمان شب شکارچی را ستایش کردند و آن را یک رمان کلاسیک کوچک آمریکایی نامیدند، اما آثار بعدی او چندان مورد توجه قرار نگرفت. حتا شب شکارچی نیز تعدادی نقد منفی دریافت کرد. برخی منتقدان فکر می‌کردند داستان اغلب در ملودرام غوطه‌ور است و زبان کتاب در برخی مقاطع آن قدر شاعرانه است که از تلخی و سیاهی قصه می‌کاهد. ژن بارو در ستون نقد کتابش در روزنامه‌ی نیویورک هرالد تریبون نوشت: «یک رمان اول برجسته. نشان‌دهنده‌ی یک استعداد فوق‌العاده غنی، اگرچه بی‌نقص نیست. هوش نویسنده گاهی از او سرپیچی کرده و مطالب را پیچیده می‌کند. با وجود این، کتابی به غایت خواندنی و غیر معمول است.» گروه دیگری از منتقدان نوشتند که شب شکارچی شروع خوبی است. مقدمه‌ای قوی برای یک نویسنده‌ی آینده.

گراب، سال ۱۹۵۳، شب شکارچی را بر اساس داستان واقعی هری پاورز نوشت؛ قاتلی زنجیره‌ای که سال ۱۹۳۲ به جرم قتل دو زن بیوه و سه کودک در شهر کوآیت دل ایالت ویرجینیای غربی به دار آویخته شد. این رمان، بلافاصله بعد از چاپ مورد استقبال مخاطبان و منتقدان ادبیات قرار گرفت و نامزد نهایی جایزه‌ی ملی کتاب شد. گراب رمانش را در ژانر گوتیک نوشته است. او در این رمان به نمایش وقایع و مردم جنوب آمریکا در دوران رکود بزرگ پرداخته است. او برای نمایش بهتر فساد و تباهی اجتماعی به خوبی از مجازهای خاص ژانر گوتیک جنوبی استفاده می‌کند.

همان سال نیز فیلمی به همین نام توسط چارلز لاتن، بازیگر مشهور انگلیسی اهل یورکشایر شمالی ساخته شد، با بازی ستارگان مشهور سینمای کلاسیک، رابرت میچم، لیلین گیش و شرلی وینترز. این فیلم هم‌اکنون در رده‌ی بهترین‌های

سینمای کلاسیک قرار دارد، از نظر فرهنگی بسیار مهم تلقی می‌شود و در فهرست فیلم‌خانه‌ی ملی ایالات متحد ثبت شده است. اما خود گراب نظر متفاوتی راجع به این فیلم دارد: «من از نسخه‌ی فیلم شب شکارچی بسیار ناراحت شدم، زیرا اصلاً با آنچه در ذهن خود دیده بودم مطابقت نداشت.» گرچه شب شکارچی مشهورترین اثر گراب است، اما او رمان بعدی خود، رؤیای پادشاهان (۱۹۵۴) را بهترین اثر خود می‌دانست.

سال ۱۹۷۷، گراب یک تور سخنرانی در سراسر کشور گذاشت که دو سال به طول انجامید. سپس دوباره به ویرجینیای غربی بازگشت و روی آخرین رمان خود کار کرد و در آخر به نیویورک رفت و همان‌جا در سن ۶۱ سالگی بر اثر سرطان درگذشت. رمان چراغ‌های قدیمی که پس از مرگ او و در سال ۱۹۸۲ منتشر شد، به نوعی ماجرایی او در مکتب پست‌مدرنیسم بود، جایی که شخصیت‌ها و مضامین از زمان و مکان جدا می‌کنند - موضوعی که او را تا پایان زندگی مجذوب خود کرد. در مجموع، گراب یک کتاب منتشر کرد که چهارتا از آن‌ها مجموعه داستان‌های کوتاه هستند. از آثار مهم او می‌توان به این کتاب‌ها اشاره کرد: نگهبان (۱۹۶۱)، صداهای غرور آفرین (۱۹۶۲)، درختی به نام ستاره (۱۹۶۵)، سایه‌ی برادرم (۱۹۶۶)، داس طلایی (۱۹۶۸) و تو هرگز من را باور نکردی و قصه‌های دیگر (۱۹۸۹).

در هنگام ترجمه‌ی کتاب، برای درک بهتر اشارات نویسنده در متن، لازم دیدم توضیح مختصری را در مورد آن‌ها در پانویس‌ها بیاورم. در آخر لازم می‌دانم از اصغر نوری گرامی برای معرفی این رمان عالی تشکر و قدردانی کنم. بی‌حضور او این کتاب هم اکنون به فارسی ترجمه نشده بود.